جلسه 10

مسئله: اگر چنانچه شخص ماموم در وسط نماز متوجه شود که امام کافر است یا فاسق است یا متطهر نبوده است، حکم نماز ماموم چیست؟ آیا نماز را رها کند و نمازش را از سر بگیرد و این مقدار خوانده شده را رها کند؟

دو قول مطرح می باشد:

قول اول استیناف نماز: اول نماز قرائت دارد یا باید خود انسان قرائت را انجام دهد یا امام جماعت باید قرائت انجام دهد، اگر در اثناء نماز متوجه فسق امام و کفر امام شود قرائتی صورت نگرفته لذا باید نماز را از سر بگیرد.

دوم باید یقین پیداکند به فراغ ذمه لذا قاعده اشتغال ذمه بطلان نماز را اقتضاء می کند پس باید نماز را اعاده کند و چون شرائط امام جماعت مختل شده، نماز فاسد می شود.

اگر بگوییم چه طور در فرضی که اگر بعد از نماز بفهمد امام جماعت شرائط را نداشته ، نماز مامومین صحیح است اما در اینجا که در اثناء نماز متوجه می شود و بخشی از نماز را با امام فاقد شرائط خوانده نماز باطل است؟ به خاطر نصوص حکم به عدم اعاده می کنیم، اما اگر این نصوص را نداشته باشیم در آن مورد نیز حکم به اعاده نماز ماموم می کینم.

صاحب جواهر گوید این روایت را در کتب حدیثی نیافته ام .

قول دوم ینوی الانفراد و یتم صلاته و هو اشبه: از هر جای نماز که ماموم فهمید که امام جماعت شرائط را ندارد، از همان جا نیت فردا کند و نمازش را تمام کند.بنا برمساوات حکم جزء با حکم کل یعنی وقتی تمام نماز خوانده شده پشت امام جماعت در فرضی که بعد نماز ماموم می فهمد که اما شرائط را ندارد، نماز ماموم صحیح است، حکم جزء نیز باید صحیح شود.

یا اینکه قائل به عدم تفصیل شویم یعنی آن روایات خاصه مطلق از موردی است که بعد از نماز بفهمد امام جماعت شرائط را نداشته یا در اثناء نماز بفهمد.

راه دیگر برای تصحیح نماز جماعت، استنابه می باشد یعنی یکی از افرادی که عادل است را استخلاف از امام جماعه بگیریم.بنابرا اینکه از باب مثال در روایت ذکر شده چه بعد از نماز بفهمد یا در اثناء نماز بفهمد.

صاحب حداوق قبول نداریم استنابه ، یا باید نماز را از سر بگیرید یا باید نماز را ادامه دهد.

ولو علم المأموم بالكفر أو الفسق ونحوهما مما لا يقدح بعد الفراغ في أثناء الصلاة قيل والقائل على الظاهر من قال بالإعادة في السابق يستأنف لتبين فساد بعض صلاته ، بل ربما احتمل أو قيل بذلك وإن لم نقل بوجوب الإعادة بعد الفراغ ، لعدم جواز المفارقة في الأثناء ، إذ الجماعة من مقومات الصلاة المنوية ، ولأن الأصل الفساد ، خرج ما بعد الفراغ بالنصوص السابقة ، ولما في المنتهى والذكرى والمحكي عن السرائر من أن في‌ رواية حماد عن الحلبي [١] « يستقبلون صلاتهم لو أخبرهم الإمام في الأثناء أنه لم يكن على طهارة » وإن كنت لم أجدها فيما حضرني من كتب الأخبار كما اعترف به أيضا في الحدائق ، قال : لم أقف على هذه الرواية فيما حضرني من كتب الأخبار ، ولا سيما ما جمع الكتب الأربعة من الوسائل والبحار ، فلاحظ وتأمل.

وقيل والقائل على الظاهر من قال بالصحة في السابق ينوي الانفراد ويتم صلاته وهو أشبه لظهور تلك الأدلة فيه بناء على مساواة حكم الجزء للكل أو أولويته ، ولا طلاق بعضها وخصوص آخر كصحيح زرارة [٢] السابق المشتمل على التعليل المتقدم. [[1]](#footnote-1)

بل ينبغي القطع به في مسألة تبين الحدث من المسائل الثلاث بملاحظة الأخبار السابقة في الاستنابة التي يستفاد منها مع ذلك جواز‌استنابة المأمومين هنا أيضا ، وعدم تعين نية الانفراد عليهم ، لما عرفت من إرادة المثال مما ذكر فيها ، فيتعدى منه إلى غيره ، خلافا للمحدث البحراني فالجمود على خصوص ما ذكر فيها كما سمعت سابقا ، ولا ريب في ضعفه.[[2]](#footnote-2)

1. [جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج14، ص11.](http://lib.eshia.ir/10088/14/11/مساواه) [↑](#footnote-ref-1)
2. [جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج14، ص12.](http://lib.eshia.ir/10088/14/12/الاستنابه) [↑](#footnote-ref-2)